

شرق

روزنامه

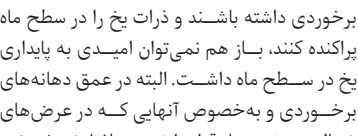
اعزام مشمولان خدمت سربازی. عکس: محمود رحیمی، مهر



آکادمی

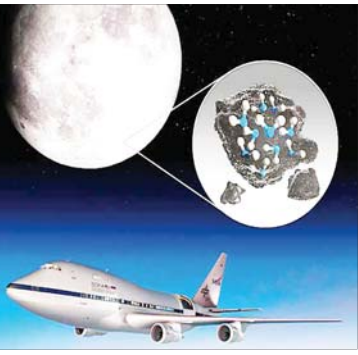
ماه خشک نیست!

کشف مولکول‌های آب توسط رصدخانه سوفیا



رضا ماه‌منظر
منجم و مروج علم

حدود ۴۱۰ سال قبل، زمانی‌که «گالیه» با تلسکوپ دست‌ساز خود به سمت ماه نگاه کرد، دیدن لکه‌های تیره‌رنگ با سطوح مسطح او را به اشتباه انداخت. «گالیه» تصور می‌کرد که این لکه‌های وسیع در اصل ذخایر آب هستند و به همین دلیل نام دریا را بر آنها گذاشت. اما با پیشرفت دانش و رصدهای پی‌درپی مشخص شد که سطح ماه نه‌تنها دریا ندارد، بلکه اتمسفری نیز ندارد تا میزان آب مایع و باد و باران باشد. در سال ۱۹۶۹ زمانی که انسان برای اولین‌بار قدم بر سطح ماه گذاشت، جهانی خشک و خالی از هرگونه نشانه‌های زیست‌پذیری را یافت و آب یکی از مهم‌ترین نشانه‌های زندگی بود که در سطح ماه وجود نداشت. حدود ۵۰۰ کیلوگرم از خاک سطح ماه به زمین آورده شد



و تمام نمونه‌ها خالی از مولکول‌های آب بودند. با این حال اشتیاق بشر برای سکونت در همسایه آسمانی‌اش، دانشمندان را به جست‌وجوی دقیق‌تری واداشت و در کمال ناباوری نتایج جدید برخلاف آن چیزی بود که تا پیش از آن تصور می‌شد. با وجود اینکه ماه همچون زمین در فاصله مناسبی از خورشید و در اصطلاح در کمربند حیات منظومه شمسی قرار دارد، اما گرانش ضعیف ماه که در حدود یک ششم زمین است باعث می‌شود مولکول‌ها به‌راحتی با اندک گرما از سطح ماه فرار کنند. گرما در حقیقت انرژی جنبشی مولکول‌هاست و در نتیجه با گرم‌شدن سطح ماه، مولکول‌ها به جنبش درآمده و به‌راحتی از سطح ماه می‌گریزند و در نتیجه ماه نمی‌تواند میزان اتمسفری پایدار باشد. از دیگر سو ماه هسته مذابی ندارد و در نتیجه میدان مغناطیسی فعالی وجود ندارد تا همچون زمین مانع برخورد ذرات باردار به سطح ماه شود. این ذرات باردار که بیشتر هسته‌های اتم هیدروژن و هلیوم هستند، با برخورد با ملکول‌های گازی سطح ماه، همچون بازی بیلیارد مولکول‌ها را پراکنده می‌کنند یا به آنها واکنش شیمیایی می‌دهند؛ در نتیجه ماه در داخل تلسکوپ‌ها شبیه یک تخته‌سنگ برهنه و خالی از اتمسفر به نظر می‌رسد. نبود جو باعث شده که در آفتاب دما به بیش از صد درجه سانتی‌گراد افزایش یابد و هم‌زمان در سایه ناشی از همان آفتاب، دما به منفی ۶۰ درجه کاهش یابد. این اختلاف دمای شدید، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سکونت‌پذیری در ماه است. اما در زمین به‌دلیل وجود گرانش و میدان مغناطیسی ناشی از هسته مذاب و فعال، اتمسفری پویا و زندگی‌بخش از سطح آن محافظت می‌کند و علاوه بر اینکه مانع برخورد اجرم فضایی با سطح می‌شود، با ایجاد فشار هوا کمک می‌کند تا مولکول‌های آب با جذب گرما از حالت جامد به حالت مایع درآمده و دریاها و اقیانوس‌ها را تشکیل دهند. حال آنکه اگر در سطح ماه یک تکه یخ را گرم کنیم، سریعاً از حالت جامد به گاز تبدیل می‌شود و در اصطلاح علمی تصعید صورت می‌گیرد. پس اگر دنباله‌دارهای فضایی -که در حقیقت کوه‌های یخی بزرگی هستند که به دور خورشید گردش می‌کنند و گاهی با سیارات برخورد می‌کنند- با سطح ماه

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹ | ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۵۱ | ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۱
اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

سازمان ملل برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. برای اینکه اولاً ایران از معدود کشورهایی بود که مؤسس جامعه ملل بود. در آن زمان هنوز استقلال در میان کشورهای جهان محدود بود و ایران در شمار کشورهای مستقل تشکیل‌دهنده جامعه ملل قرار گرفت. جامعه ملل مد و الگویی بود که بعدها به سازمان ملل تبدیل شد. البته جامعه ملل در آن زمان ناکام ماند. یکی از دلایل هم این بود که نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا بعد از جنگ جهانی اول که بنیان‌گذار جامعه ملل بود، نتوانست عضویت آمریکا را به تصویب سنای کشورش برساند و بنابراین آمریکا که از جنگ جهانی اول به عنوان قدرتمندترین کشور جهان بیرون آمده بود، با عدم عضویت در جامعه ملل موجب شد این تشکیلات با شکست مواجه شود. در نهایت این مسئله منجر به عدم پذیرش تعهدات آلمان توسط هیتلر و شکل‌گیری جنگ جهانی دوم شد. اما جنگ جهانی دوم چنان هزینه‌های جانی و مالی برای دنیا پیش آورد که به نظر می‌رسید موجب تنبیه سردمداران قدرت شده باشد و آنها به دنبال سازمانی بودند که نظارت بیشتری بر کشورهای جهان داشته باشد و در آنجا بتوانند ارتباطات و تماس‌هایی به صورت دائمی بین‌المللی برقرار و صلح و امنیت بین‌المللی را حفظ کنند. در واقع شاکله اصلی سازمان ملل را کشورهایی تشکیل می‌دادند که در جنگ جهانی دوم علیه تجاوزگران بزرگی مثل آلمان

و ژاپن جنگیده بودند. در میان ارکان سازمان ملل در زمان تأسیس شاید مهم‌ترین رکن همان شورای امنیت بود که در راستای وظیفه اصلی سازمان که برقرار صلح و جلوگیری از جنگ بود ایجاد شده بود و فعالیت می‌کرد. اگرچه این شورا با پایه‌گذاری اصلی جنجالی در همه این سال‌ها بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است؛ «حق و‌تو» که با عدالت بین کشورها مغایرت دارد. پنج کشور که بعدها همه اتمی هم شدند در تصمیمات

مهم و امنیتی شورای امنیت هر کدام به تنهایی حق و‌تو دارند و می‌توانند جلوی تصمیمات را بگیرند. منتقدان این حق بر این اعتقادند که چگونه است که این پنج کشور دارای امتیاز ویژه‌ای باشند و با این حق ویژه عدالت و برابری بین کشورها در سازمان ملل را زیر سؤال ببرند. البته هرچه از عمر سازمان ملل گذشت این ایراد بیشتر از پیش به چشم آمد و ناراستی‌هایش بیشتر ظاهر شد. نگاهی به حیات ۷۵ساله سازمان ملل نشان می‌دهد با همه کاستی‌هایی که شورای امنیت در عرصه بین‌المللی داشته و با وجود همه جنگ‌ها و خونریزی‌هایی که در این ۷۵ سال در سرتاسر دنیا رخ داده، اما این سازمان به هر حال توانسته جلوی وقوع بسیاری از جنگ‌ها و خونریزی‌های دیگر را هم بگیرد. این نهاد تا جایی که امکاناتش اجازه داده سعی کرده از خونریزی در جهان جلوگیری کند و با توان محدود خودش و موانعی که در مسیرش بوده هم موفق شده این کار را بکند وگرنه کتاب تاریخ جهان در همین ۷۵ سال ای‌سا جنگ‌ها، خشونت‌ها و خونریزی‌های بیشتری را هم در دل خود جای می‌داد. ایران به عنوان یکی

سلام به فردا

۷۵ سال بدون جنگ جهانی



فریدون مجلسی

از کشورهای مؤسس جامعه ملل هم در جامعه ملل و هم بعدها در سازمان ملل متحد به یکی از اولین کشورهای مشتری مراجعه به این سازمان برای طرح دعای تبدیل شد. ایران اولین‌بار در مورد تجاوز دولت شوروی که برخلاف تعهدش بعد از جنگ جهانی دوم از خروج از کشور سر باز زده و ماجرای فرقه دموکرات آذربایجان را به وجود آورده بود، به شورای امنیت سازمان ملل مراجعه کرد. در ماجرای نفت هم دولت انگلستان به حق ملی‌کردن نفت ایران معترض بود و علیه ایران به شورای امنیت مراجعه کند؛ مسئله‌ای که موجب شد دکتر مصدق شخصاً به نیویورک سفر و در جلسه شورای امنیت حضور پیدا کند تا از حقوق ایران دفاع کند. البته شورای امنیت در همان زمان هم به دلیل شکایت انگلستان به دادگاه لاهه رأی تعلیقی به این مسئله داد. شورای امنیت در همان سال‌های شروع به کارش در مسئله جنگ کره دخالت کرد و با اعزام نیروهای سازمان ملل متحد به کره در واقع به جهان این پیام را رساند که تشکیلات جدید و مهمی برای برقراری صلح و پرهیز از جنگ در دنیا به راه افتاده است. بعدها کشورهای آفریقایی که برای استقلال تلاش می‌کردند هم به سازمان ملل متحد پیوستند که موجب شد دامنه فعالیت‌های سازمان به عرصه‌های جدیدتری برسد؛ مسئله‌ای که موجب شد «داک همرشولد»، سومین دبیرکل سازمان ملل متحد، برای میانجیگری در بحران کنگو جان خودش را از دست بدهد. همه این رویدادها نشان می‌دهد که سازمان مل از بدو تأسیس تاکنون توانسته یک دیپلماسی بین‌المللی را جایگزین دیپلماسی دوجانبه کرده و خودش را به عنوان سازمانی بین‌المللی و تأثیرگذار به



کشورهای دنیا معرفی کند. به هر حال وجود سازمان ملل در دنیا غیر از مسائل امنیتی منجر به تشکیل سازمان‌ها و نهادهای مهم و تأثیرگذار دیگری هم شد. کارگزاری‌هایی که در حوزه مسائل بهداشتی، آموزشی و محیط‌زیستی فعالیت می‌کنند و برخی از آنها مثل سازمان جهانی بهداشت در روزگار فعلی که دنیا با غول کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کنند اهمیت فراوانی پیدا کرده‌اند. نقش سازمان جهانی بهداشت در مبارزه با کرونا و اطلاع‌رسانی درباره آن به خوبی نشان داد که کارگزاری‌های بین‌المللی که در کنار سازمان ملل ایجاد شدند چه کمک شایانی می‌توانند به بشر در سختی‌ها و مشکلات بکنند. به هر حال ۷۵ سال از تأسیس سازمانی می‌گذرد که تلاش کرده نظم‌نوینی در دنیا ایجاد کند و اگرچه از زمان تأسیس آن در دنیا همچنان جنگ و خونریزی وجود دارد و ادامه خواهد داشت، اما این سازمان با همه موانعی که سر راهش وجود داشته تلاش کرده از میزان این خشونت‌ها در دنیا بکاهد و سازوکارهایی برای زندگی بهتر بشر در صلح و آرامش پدید آورد.

تپا

مسئله رسانه خارجی‌هراسی

سامان موحدی‌راد



فرش خانه پنهان کرد. بعد از این همه سال تجربه و زخم‌خوردن از مسئله اطلاع‌رسانی در ایران، صاحبان رسانه‌های فراگیر در کشور همچنان سیاست‌شان خاموشی در برابر سوزنه‌های روز است؛ نادیده‌گرفتن اتفاقاتی که روزانه در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور رخ می‌دهد تا زمانی که صدایش از آن‌سوی آب بلند شود و وقتی این اتفاق افتاد، آن گروه ویژه خبری با دوربین و میکروفن راهی محل حادثه می‌شود تا به‌زعم خودش آتش را خاموش کند. نمی‌دانم این سیاست غلط و اشتباه درباره خبر و خبررسانی تا کی و کجا قرار است ادامه داشته باشد، ولی اگر

زیر پوست شهر

سرفت‌اولی‌ها؟

کامران فریدونی

● چندی‌پیش یکی از مسئولان نیروی انتظامی اعلام کرد تعداد سرفت‌اولی‌ها ۵۰ درصد رشد کرده است. چه اصطلاح تفکربرانگیزی و ترسناکی؛ سرفت‌اولی‌ها!

نمی‌خواهم فعلاً این را که چرا برخی دست به دزدی می‌زنند، بررسی کنم که خود موضوع مفصل دیگری است؛ هم‌اکنون می‌خواهم کمی، فقط کمی این اصطلاح هشداردهنده «سرفت‌اولی‌ها» را بشکافم. پرواضح است که سرفت‌اولی‌ها یعنی کسانی که برای نخستین‌بار دست به سرفت زده‌اند یا کسانی که برای نخستین‌بار سرفت ناموفقی داشته‌اند و به دام پلیس افتاده‌اند. در هر صورت آنها سابقه‌دار نیستند. احتمالا تا همین چندی‌پیش کسب‌وکاری داشته‌اند یا برای کسی یا جایی کار می‌کردند و درآمدی داشته‌اند تا روزگار را هرچند به‌دشواری بگذرانند؛ اما شرایط و عواملی آنها را بی‌کار و بدون دستمزد کرده، آنچنان که ظاهراً خود را ناگزیر از سرفت دیده‌اند. درست است که کسانی حتی در شرایط دشوار هم حاضر به این کار نیستند اما حقیقت این است که همگان شبیه به هم نیستند. برخی مسئول‌اند و نان‌خوار و خانواده دارند که این موضوع بیشتر به آنها فشار می‌آورد. هرکس شاید بتواند سروصدای معده خالی خود را نشنیده بگیرد، اما اگر نان‌آور کسانی باشد، موضوع به این سادگی‌ها نخواهد بود. می‌دانم که برخی خواهند گفت از نظر آنها هیچ دلیلی عمل سارقان را موجه نمی‌کند، اما ظرفیت همه یکی نیست؛ در عین حال همه ما قابلیت انجام هر کاری را داریم و به‌هرحال این حرف‌ها نه شکم‌کننده‌ای را سیر می‌کند و نه این مشکل اجتماعی را از بین می‌برد. پس چاره کار چیست؟ اکنون چاره این ناچاران این است که کسی دست‌شان را بگیرد و گشتگان آنها را نانی دهد و این وظیفه هیچ‌کس نیست جز همه‌کس! مگر می‌شود در همسایگی ما گشتنه‌ای باشد و ما شب راحت بخوابیم. چه کسی تضمین می‌دهد که خانه و نفر بعدی ما نباشیم که گشتنه‌ای از دیوارش بالا بپایند. افسردا جامعه از هم جدا نیستند و نمی‌توانند باشند. خوش‌خیالی است اگر به دیوار بلند خود، قفلی که بر در خانه‌مان زده‌ایم و به نگهبانی که گماشته‌ایم دل خوش کنیم. آیا سراغ ندارید دزدانی که دیوار و قفل این افراد آسیب‌پذیر را گرفت و به کاری گمارد. خردمندانه است که در زندگی اجتماعی تنها به فکر خود نباشیم. باید بدانیم که منافع ما در گرو منافع جمع است. فراموش نکنیم که در این بیماری همه‌گیر ممکن است مشاغلی به خاطر نبودن خریدار کسب‌وکارش نابود شود. یادتان بیاید که روزی از آنها هم خرید می‌کردیم. به خاطر خودمان هم که شده نگذاریم دکان‌هایشان تخته نشود که شاید برخی از آنها از سر ناچاری... و در بلندمدت هم لازم است بدانیم که بسیار از آنچه را که بدیهی می‌دانیم، باید آموزش داد؛ چیزهایی مانند پیوستگی آسیب‌های اجتماعی و منافع گروهی، لزوم درک متقابل، همدلی، مهربانی، شفقت و بسیاری واجبات دیگر را که جای آموزش‌دادن آنها نیز هیچ‌جایی نیست جز مدرسه، زندگی آموختنی است.

فقط یک بار اتفاقات خبری یک سال اخیر مرور شود، شاید تصویر درستی از کاهلی بزرگ مدیران رسانه‌های دولتی در ایران به نمایش گذاشته شود؛ مدیرانی که فکر می‌کنند هنوز می‌توان یک سوزنه را نادیده گرفت، آن‌هم درحالی‌که همه هم‌چیز در مقابل چشم جهانیان است. مسئله عجیب‌تر این است که از فحواي سخنان این دست دست‌اندرکاران اطلاع‌رسانی در ایران و همچنین محتوای گزارش‌های خبری‌شان چنین برمی‌آید که عمیقاً معتقدند رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور جنگی رسمی و علنی را در برابر ایران به راه انداخته‌اند. اما آیا پاسخ آنها به این جنگ چیست؟ نشستن و سروپوش گذاشتن روی اخبار تا روزی که صدایش آن‌قدر بلند شود که همه بشنوند؟ اطلاع‌رسانی در ایران سال‌هاست که دستخوش قوانین ناوتشه و محدودکننده‌ای شده و رسانه‌های اغلب می‌دانند که به هر سوزنه‌ای نمی‌توانند بپردازند. اما آیا می‌توان این رفتار را در حق سایر رسانه‌های دنیا هم اعمال کرد؟ آیا می‌توان انتظار داشت که رسانه فارسی‌زبانی که از دولتی خارجی پول دریافت می‌کند هم مطابق معیار ما خبر تولید کند؟ شما در این‌نبرد چه کردید آقای مدیر یقه‌بسته؟